

ژئوپلیتیک شیعه

و مسأله امنیت ملی ایران

نقیسه فاضلی‌نیا*

چکیده

محیط امنیتی هر جامعه‌ای، تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی و محیط خارجی آن است. بر این اساس، محیط امنیتی ایران به اقتضای طبیعت و هویت انقلابی - ایدئولوژیکی اش، و از جهت تاریخی، فرهنگی و قومی به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی اش محیطی آسیب‌پذیر و مستعد بحران است.

در شرایط کنونی بین‌المللی، رهیافت سنتی از امنیت که در آن تمرکز تقریباً انحصاری بر عوامل نظامی و خارجی است، به تدریج قابلیت تحلیلی و کاربردی خود را در بررسی‌های امنیت از دست می‌دهد و عناصر تازه‌ای، از جمله اهمیت یافتن ابعاد فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپلیتیک، زوایای جدیدی را در بحث امنیت ملی ایران نشان می‌دهد.

در حال حاضر، موقعیت ایران در حوزه ژئوپلیتیک شیعه، که ناشی از ترکیب شدن عوامل فرهنگی و اعتقادی با دسترسی به منابع عظیم انرژی و موقعیت‌های حساس ژئوپلیتیکی و استراتژیکی است، حساسیت و توجه غرب را در دو محور ایدئولوژیکی - فرهنگی و امنیتی - راهبردی برانگیخته است. در این مقاله سعی شده است مسائل امنیتی ایران در ژئوپلیتیک شیعه مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک شیعه، غرب، تشیع، انقلاب اسلامی.

* پژوهشگر و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی.

مقدمه

موقعیت خاص ایران همواره بستر مناسبی برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به مخاطره افتادن امنیت ملی آن فراهم آورده است. در گذشته، ژئوپلیتیک ایران به سبب عواملی، مانند منابع خام یا موقعیت گذرگاهی، مورد توجه قرار می‌گرفت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، ایران که یکی از متحدین آمریکا و غرب در منطقه بود به نیرومندترین دشمن آنها در منطقه تبدیل شد و منافع آنها را آماج حملات تبلیغی خود قرار داد. از این رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند. یکی از این موارد، مسئله ژئوپلیتیک شیعه است.

غربی‌ها، انقلاب اسلامی را انقلابی شیعی می‌دانند و از ایدئولوژی شیعه، که به نظر آنها یک ایدئولوژی انقلابی است، می‌ترسند. (توال، ۱۳۷۹، ص ۵۶) از نظر غربی‌ها، سکونت بیشتر شیعیان در مناطق حساس ژئوپلیتیکی و ایدئولوژی انقلابی آنان، منافع غرب را در منطقه به خطر می‌اندازد. به همین دلیل، غربی‌ها همواره از پیامدهای منطقه‌ای انقلاب اسلامی بیم داشته و درصدد برآمده‌اند ایران را، به عنوان کشوری که در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد، کنترل کنند. از طرفی، به نظر می‌رسد که عنصر شیعه، به سبب این‌که از قدرت تأثیرگذاری بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است (توال، ۱۳۷۹، ص ۶)، برای غرب دارای اهمیت ژئوپلیتیک خارجی است. از این رو، غرب برای مهار ژئوپلیتیک شیعه، طرح خاورمیانه جدید را مطرح کرد. آنان در این طرح به دنبال تغییر زیرساخت‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و دینی منطقه‌اند. (مایل افشار، ۱۳۸۳) این روند، امنیت ملی ایران را در منطقه به مخاطره می‌اندازد؛ چون ایران در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد و تغییر و تحول در هر یک از کشورهای این حوزه، پیامدهای امنیتی برای ایران به همراه خواهد داشت.

با توجه به آنچه مطرح شد، پرسشی که مقاله حاضر درصدد پاسخ به آن است چنین است: با توجه به حساسیت غرب نسبت به ژئوپلیتیک شیعه و جایگاه ایران در این حوزه ژئوپلیتیکی، این مسأله تا چه اندازه برای امنیت ایران بحران‌زاست؟

فرضیه‌ای که مورد آزمون قرار می‌گیرد، این است: با توجه به رابطه مذهب و جغرافیا در حوزه ژئوپلیتیک شیعه که غرب مطرح می‌کند و با توجه به این‌که ایران در قلب این حوزه ژئوپلیتیک قرار دارد و سایر کشورهای واقع در این حوزه ایران را احاطه کرده‌اند، هرگونه نفوذ قدرت‌های خارجی در این کشورها به ضرر امنیت ملی ایران است؛ چون برخلاف ایران که شیعیان اکثریت غالب جمعیت آن را تشکیل می‌دهند و تحت لوای یک حکومت اسلامی - شیعی هستند، در سایر کشورهای این حوزه، شیعیان در اقلیت و در سیطره حکومت‌های سنی‌اند و این حکومت‌ها به دلیل عدم مشروعیت داخلی اکثراً به قدرت‌های خارجی وابسته‌اند و همین امر زمینه را برای کنترل نیروی پرنفوذ فرمانطقه‌ای ژئوپلیتیک شیعه با محوریت ایران فراهم می‌کند و به انزوای ایران در منطقه می‌انجامد.

امنیت ملی در چارچوب نظریات ژئوپلیتیک

یکی از اهداف سیاست خارجی هر کشوری، تأمین امنیت ملی است. در واقع، امنیت ملی از اهداف اولیه، اصلی و ثابت دولت‌های ملی در نظام بین‌المللی کنونی است؛ هرچند ابزار تأمین و راه رسیدن به آن، متأثر از شرایط متحول نظام بین‌الملل و اوضاع حاکم بر امور داخلی کشورها، در حال دگرگونی است.

از طرفی، محیط امنیتی هر جامعه‌ای تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت،

فرمایشیون‌های اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، وضعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، مؤلفه‌های قدرت، ایدئولوژی و ارزش‌ها، مشارکت مردمی) و متغیرهای محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم یا بی‌نظمی جهانی، ایدئولوژی تکنولوژی، مشارکت مردمی) است. (تاجیک، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹) چنین محیطی (امنیتی)، همواره حامل تهدیدات و فرصت‌هایی است که واحدهای ملی به میزان موقعیت و منزلتشان از آن نصیبی می‌برند. جامعه‌ها، به اقتضای طبیعت و هویت انقلابی - ایدئولوژیکی‌اش، به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی‌اش و از جهت تاریخی، فرهنگی و قومی، جامعه‌ای آسیب‌پذیر و مستعد بحران است. در عرصه ملی همواره این امکان وجود دارد که یک تضاد و تراحم ساده میان قضاوت و سیاست یا یک احساس محرومیت فرهنگی و قومی به چالشی شالوده‌شکن و ساخت‌برانداز تبدیل شود.

در گستره فراملی نیز بستر اجتماعی - سیاسی متلاطم و جوشان بعد از انقلاب و تهدید نظم موجود جهانی، زایش تهدیدات گوناگونی را به دنبال داشت. (پیشین، ص ۱۹۲)

در این چارچوب، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت ملی هر کشوری، ویژگی ساختاری و موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی آن کشور است. در نظریات کلاسیک ژئوپلیتیک، بر حساسیت صرف بر فاصله، کارکرد حایل فضا و مرزهایی با اسکان‌یافتگی تأکید می‌شد؛ یعنی ارزش‌هایی که در پدیده تکنولوژی - نظامی آن زمان بسیار حائز اهمیت بود. (صحفی، ۱۳۸۰، ص ۴۸) به این ترتیب، در چارچوب این نظریات، مهمترین ابزار امنیت ملی، توانایی‌ها و امکانات نظامی بود. بر این اساس، امنیت در مفهوم سنتی آن، مفهومی نظامی داشت و مهمترین ابزار تأمین آن، سرمایه‌گذاری در بخش‌های نظامی و استراتژیک بود. (تاجیک، ص ۱۳۲)

قبل از انقلاب اسلامی، ژئوپلیتیک ایران به دلیل برخورداری از امتیازات ژئوپلیتیکی، از جمله برخورداری از ذخائر سرشار انرژی نفت و گاز، همواره

مورد توجه قدرت‌های خارجی بود و امنیت آن به سبب برخورداری از چنین امتیازاتی همواره از سوی غرب تأمین می‌شد و غربی‌ها کمک‌های نظامی و تسلیحاتی فراوانی را به ایران داده بودند. به این ترتیب، موقعیت استثنایی ایران پایدارترین و اساسی‌ترین عنصر تأمین امنیت ملی ایران در قرون گذشته محسوب می‌گردد. (ازغندی، ۱۳۸۱، ص ۶۰)

موقعیت ژئوپلیتیک ایران تا قبل از انقلاب اسلامی، با تأکید بر متغیرهای سنتی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت و همین متغیرها بودند که باعث جلب توجه و علاقه کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، به ایران شده بود. هر یک از کشورهای غربی اهداف خاصی را از ژئوپلیتیک ایران دنبال می‌کردند. از جمله می‌توان به علاقه آنها به موقعیت گذرگاهی ایران و بازار مصرفی قابل توجه در ایران، با توجه به متغیر جمعیت، منابع خام و نفتی ایران، اشاره کرد. از نظر آنها، ثبات و امنیت منطقه در گرو امنیت ملی ایران بود. بر همین مبنا، فروش تسلیحات به ایران در دستور کار آنها قرار گرفت. (تاجیک، ص ۱۰۶)

با آغاز تحولات سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم، رشد جنبش‌های آزادی‌بخش و استقلال‌طلبانه در قاره‌های کهن جهان و رشد و گسترش علوم انسانی، انسان در کانون توجه ژئوپلیتیک قرار گرفت و متغیرهای جدید مطرح شد. در این راستا، دکتر عزتی در چارچوب نظریات جدید، عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک را به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم می‌کند:

عوامل ثابت عبارتند از: موقعیت جغرافیایی، شکل‌های مختلف موقعیت، فضا و تقسیمات آن، وسعت خاک، توپوگرافی و شکل کشور. (به نظر می‌رسد این عوامل همان متغیرهای مطرح در نظریات کلاسیک ژئوپلیتیک هستند.) عوامل متغیر عبارتند از: جمعیت، منابع طبیعی،

عامل اصلی در گروه عوامل ثابت، موقعیت جغرافیایی است و در گروه عوامل متغیر، کانون تغییرات، انسان است.

به نظر عزتی، توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپلتیک، حیطه‌های دیگری از همنشینی جغرافیایی را مطرح می‌کند. وی با تأکید بر تأثیر عوامل فرهنگی در ژئوپلتیک و پیوستگی این دو بحث، ژئوپلتیک اسلام را مطرح می‌کند. (پیشین، ص ۱۱۲) نگارنده نیز سعی می‌کند در چنین چارچوبی، ژئوپلتیک شیعه را بررسی نماید.

پیش از انقلاب اسلامی ایران، اسلام تنها یک ایدئولوژی مذهبی محسوب می‌شد. انقلاب اسلامی ایران جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را به فعل درآورد و تفکر شیعی با انجام ساختاری خود در ایران نشان داد که توانایی به ظهور رساندن یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های تاریخ را دارد. این توانایی باعث شد که بسیاری از نهضت‌های آزادی‌بخش، به ویژه در آسیا و آفریقا، توجه خود را به ایران و ایدئولوژی اسلام معطوف کنند. این توجه در کشورهایی که از اکثریت مسلمان برخوردار بودند شدتی بیشتر یافت و به گرایش قوی تبدیل شد.

توجه جنبش‌های آزادی‌بخش و کشورها و شخصیت‌های اسلامی به نقش اسلام در صحنه سیاست بین الملل، باعث شد که ژئوپلتیک کشورهایی که از جمعیت با اکثریت مسلمان برخوردار بودند در نگرشی مجدد ارزیابی شود. این امر در آن‌جا اهمیتی خاص می‌یافت که پیوستگی جغرافیایی و جایگاه خاص این حیطه از جهان، به لحاظ دسترسی به عظیم‌ترین منابع نفتی، خودنمایی می‌کرد و پدیده‌ای به نام جهان اسلام را مطرح می‌ساخت. (پیشین، ص ۷۲)

به این ترتیب، طرح دیدگاه‌های جدید ژئوپلتیکی و پیوند بین این دیدگاه‌ها با گرایش‌های فرهنگی، نقش جغرافیایی و ژئوپلتیکی مرکز جهان اسلام در دنیا و قدرت و پایداری انقلاب اسلامی، این اندیشه و نظر را به وجود آورد که باید به

ایدئولوژی‌های مذهبی و دیگر پارامترهای فرهنگی، در حکم پارامترهای مهم در پیدایش ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، توجه کرد و به توانایی‌های این پارامترها در از قوه به فعل درآوردن یا توانایی‌های عملیاتی آنها نیز نظر داشت. وقوع انقلاب اسلامی ثابت کرد که این توانایی‌ها بیش از هر چیز از خصوصیت ذاتی تفکر تشیع و وجود اصل ولایت فقیه در آن ناشی می‌شود. تفکر و اصل اجتهاد مستمر و ولایت در آیین شیعه، موجب پویایی و انطباق فعال ایدئولوژی اسلامی با تحولات و تغییرات روز می‌شود. (پیشین، ص ۷۴)

با توجه به نظرات عزتی، می‌توان گفت در شرایط کنونی بین‌المللی و در ساختار نوین نظام بین‌الملل، دیگر نمی‌توان تنها با تأکید بر متغیرهای مطرح در نظریات کلاسیک، امنیت را برای کشورها به ارمغان آورد و رهیافت سنتی از امنیت، که در آن تمرکز تقریباً انحصاری بر عوامل نظامی و خارجی است، به تدریج قابلیت تحلیلی و کاربردی خود را در بررسی‌های امنیتی از دست می‌دهد و ابعاد جدیدی وارد نگرانی‌های امنیتی می‌شود و اهمیت یافتن ابعاد فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپلیتیک که به آن اشاره شد، زوایای جدیدی را در بحث امنیت ملی ایران نشان می‌دهد.

در حال حاضر، یکی از مهمترین جنبه‌های ژئوپلیتیکی ایران که حساسیت غرب را برانگیخته است، ترکیب شدن عوامل فرهنگی و اعتقادی با دسترسی به منابع عظیم انرژی و موقعیت‌های حساس ژئوپلیتیکی و استراتژیکی است که همواره به صورت شمشیری دو دم برای امنیت ملی ایران عمل می‌کند.

اگر بپذیریم که گسترش ارتباطات و اطلاعات در سطح جهانی، منجر به پیوند هر چه بیشتر و نزدیک‌تر جوامع انسانی به یکدیگر شده و تقسیم پیچیده‌تر و بیشتر کار اجتماعی، ارتباط و تداخل حوزه‌ها و نظام‌های اجتماعی در یکدیگر را افزایش داده است، به نظر می‌رسد که امنیت ملی از دو بُعد باید مورد توجه قرار بگیرد:

۱. بُعد نخست، نظم و ثبات جهانی است؛ به این معنا که هرگونه بی‌نظمی و بی‌ثباتی سیاسی در جهان، به ویژه در حوزه استراتژیک جامعه مورد نظر، به بی‌ثباتی سیاسی و تهدید امنیت ملی آن جامعه منجر می‌شود.

۲. بُعد دوم، نقش و اهمیت عوامل مختلف داخلی در تضمین و تأمین امنیت ملی و ثبات سیاسی جامعه است. (پیشین، ص ۷۹)

امنیت ملی ایران نیز به عنوان کشوری که در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد در قالب این دو بُعد امنیتی قابل تحلیل است.

ژئوپلیتیک شیعه

در ابتدا، قبل از ورود به بحث اصلی، لازم است واژه "ژئوپلیتیک" را تعریف کنیم. علم ژئوپلیتیک به بررسی نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست می‌پردازد. به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک به معنای تقابل قدرت با یک سرزمین و انسان‌هایی که در آن سکونت دارند، است. با توجه به تعاریف متعددی که از واژه ژئوپلیتیک مطرح شده، می‌توان ژئوپلیتیک را پرداختن به رابطه میان دولت‌ها و قدرت‌طلبی آنها و تثبیت اقتدارشان در مناطق جغرافیایی تعریف کرد. (پیشین، ص ۴۱)

بعد از اشاره کوتاهی که به مفهوم ژئوپلیتیک کردیم، اگر بخواهیم به واژه ژئوپلیتیک شیعه دست یابیم، باید به گذشته، به ویژه به زمان جنگ سرد، بازگردیم. خانم فرحناز مایل افشار در این زمینه می‌نویسد:

در جنگ سرد، منطقه اوراسیا مرکز جهان یا به عبارتی هارتلند به شمار می‌آمد. در آن زمان، انتقال انرژی و دسترسی به آن و مفاهیمی از این قبیل، رؤس اصلی ژئوپلیتیک به حساب می‌آمد؛ اما بعد از ارائه تنز برخوردار تمدن‌ها از سوی هانتینگتون، شاهد سیاسی شدن هویت‌های فرهنگی، قومی، مذهبی و... بودیم که ژئوپلیتیک شیعه در این چارچوب

فکری و استراتژیکی قرار گرفت. (مایل افشار، ۱۳۸۳)

ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگی با هارتلند ایران است. اهمیت ایران تا آنجا است که گراهام فولر، ایران را «قبله عالم»، و پرفسور روح‌الله زمانی، ایران را «دوراهی حساس» می‌نامد. مارتین کرامر، محقق اسلام ستیز آمریکایی، در کتاب تشیع، مقاومت و انقلاب، به طور ضمنی در مورد اهمیت عنصر ژئوپلیتیک شیعه می‌نویسد:

در دوران معاصر، تشیع برخی از قویترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است. جنبش‌های شیعی امروزه استراتژی‌های سیاسی فوق‌العاده اصیلی ابداع کرده‌اند که غالباً موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است. این شیوه‌ها در ایران از عظیم‌ترین موفقیت‌ها برخوردار بوده‌اند و الهام‌بخش سایر شیعیان در دنیای عرب و جنوب آسیا نیز شده‌اند. کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را در برمی‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد. (مجموعه مقالات، ۱۹۸۴ م، ص ۳۶)

بی‌تردید، موقعیت حساس ژئوپلیتیک جهان اسلام و جمعیت بیش از یک میلیارد نفری مسلمانان در جهان - که طبق پیش‌بینی‌های به عمل آمده، جمعیت آنان در ۲۰ سال آینده به حدود ۲ میلیارد نفر هم خواهد رسید - صاحب‌نظران و سیاست‌مداران غربی را وادار ساخته است تا در حوزه ژئوپلیتیک اسلام و تشیع به پژوهش پردازند.

فرانسوا توال، از صاحب نظران غربی، می‌نویسد:

از میان یک میلیارد معتقد به رسالت (حضرت) محمد ﷺ، حدود ۱۰ الی

۱۲ درصد شیعه هستند؛ یعنی جمعیت شیعی در جهان به حدود ۱۴۰

میلیون نفر می‌رسد. درگیری‌های اخیر همچون انقلاب اسلامی در ایران

و جنگ داخلی لبنان، مسأله شیعه را به عنوان یک عامل ژئوپلیتیک مطرح

کرده است. (توال، ۱۳۷۹، ص ۹)

به نظر وی، مطالعه مذهب شیعه برای تجزیه و تحلیل عوامل مهم ژئوپلیتیک جهان معاصر باید مورد توجه قرار بگیرد.

پس از این بحث مقدماتی که به نظر ضروری می‌رسید، وارد بحث اصلی خود در این قسمت می‌شویم.

علل حساسیت غرب نسبت به ژئوپلیتیک شیعه

با توجه به آنچه ذکر شد، حساسیت ژئوپلیتیک شیعه برای غرب در دو محور فرهنگی - ایدئولوژیکی و امنیتی - راهبردی قابل بررسی است.

۱. محور فرهنگی - ایدئولوژیکی

به نظر می‌رسد یکی از علل حساسیت غرب به ژئوپلیتیک شیعه، به آموزه‌های ایدئولوژیکی - فرهنگی اسلام برمی‌گردد.

فوازی جرجیس، در کتاب آمریکا و اسلام سیاسی، می‌نویسد:

گرچه تهدید نظامی نسبت به غرب از سوی جهان اسلام از پایان قرن

هفدهم متوقف شده بود، چالش مذهبی و فکری اسلام همچنان بر تصور

بسیاری از مردم غرب سایه افکنده است. (جرجیس، ۱۳۸۲، ص ۲۵)

نیز می‌نویسد:

بیشتر آمریکایی‌ها از فرهنگ اسلامی تلقی خصمانه دارند و آن را تهدیدی نسبت به منافع و ارزش‌های فرهنگی‌شان می‌دانند. (پیشین، ص ۲۷)

اظهارات عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران غربی نیز نشان می‌دهد که تهدید غرب از سوی جهان اسلام، بیشتر تهدید ایدئولوژیکی بوده است تا تهدید نظامی.

در این چارچوب، تقابل‌گرایان،* تهدید کمونیسم و تهدید اسلام را مشابه یکدیگر ترسیم می‌کنند:

همانند کمونیسم، احیاگری اسلامی نه فقط یک ایدئولوژی رسمی دعوت‌کننده به دین است، بلکه تجدیدنظر طلب نیز هست. از منظر این گروه، اسلام به عنوان یک تهدید راهبردی عمده در دوره‌ی پس از جنگ سرد، جانشین کمونیسم شده است. (پیشین، ص ۵۵)

دانیل پاییز بر این نکته تأکید می‌ورزد که چالش بنیادگرایی اسلامی نسبت به غرب، ژرف‌تر از چالش کمونیسم است. وی می‌گوید: کمونیست‌ها صرفاً با سیاست‌های ما مخالف بودند؛ نه با کل جهان بینی، شیوه لباس پوشیدن، شیوه عبادت و شیوه همسرگزینی ما. (پیشین، ص ۵۶)

از نظر وی، اسلام ذاتاً با غرب مخالف است:

آمریکایی‌ها به اسلام به عنوان یک دشمن می‌نگرند و همانند کمونیسم دوران جنگ سرد، اسلام را تهدیدی علیه غرب می‌دانند. (پیشین)

در چنین فضایی، آموزه‌های ایدئولوژیکی شیوع از حساسیت بیشتری برای

* در عرصه‌ی روشنفکری ایالات متحده نسبت به اسلام سیاسی، دو گروه وجود دارد: تقابل‌گرایان و سازش‌گرایان. رک: جرجیس، ۱۳۸۲، ص ۵۲ - ۷۱.

غرب برخوردار است؛ چون تشیع با اعتقاد به غاصبانه بودن حاکمیت غیرمعصوم، هرگونه تسلط غیرمسلمان بر مسلمان را جایز نمی‌داند. این باور، اساس استعمار را به چالش می‌کشد. در این میان، غرب از آموزه‌های تشیع ایرانی بیشتر احساس خطر کرده؛ به طوری که آمریکا اعلام نموده که هراسش از ایدئولوژی اسلام انقلابی ایرانی است و زبان انقلابی ایران خطرناک است؛ چون فهم رایج از نقش آرام و خاموش مذهب در سیاست را هدف قرار می‌دهد: (بیشین، ص ۲۳۷)

انقلاب اسلامی، دین را به صورت یک مدعی جدی در برابر مادیت حاکم بر غرب مطرح کرد. بی‌شبهه، پس از فروپاشی مارکسیسم، بیشتر ادیان بومی در بیشتر نقاط جهان فعال شده‌اند و در این میان، اسلام به لحاظ داشتن پیشینه و عناصر نیرومند در خود و نیز موقعیت ممتاز جغرافیایی، بیش از هر آیین دیگر زنده شد. این زنده شدن به نوعی مبارزه‌طلبی بر ضد اندیشه غربی جلوه‌گر شده و در این راه تا آن جا پیش رفت که به عنوان آلترناتیو مارکسیسم برای غرب درآمد.

(جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴)

اسپوزیتو می‌نویسد:

ایران، نخستین انقلاب سیاسی اسلامی موفق را به جهان عرضه کرد؛ انقلابی که به نام اسلام و با شعار الله اکبر بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیرروحانیت اسلام‌گرا استوار بود و مسلمانان سراسر جهان از ثمره آن، که همانا اوج گرفتن مفهوم هویت اسلام، بازگشت غرور و اقتدار مسلمانان در جهان که تحت سیطره ابرقدرت‌هاست، محفوظ شدند. علاوه بر این، آیه‌الله خمینی تجربه ایران را راهنمایی برای تغییر سیاسی و ایدئولوژیک امت جهان

اسلام می‌دانست. برنامه او متحد کردن تمام مسلمانان در نبردی سیاسی و فرهنگی علیه شرق و غرب بود. با پیروزی در این نبرد، ایران آماده بود تا اصول خود را در کشور خویش و جهان خارج از آن تبلیغ کند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۴۹)

عده‌ای از صاحب‌نظران غربی معتقدند حساسیت آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه زمانی بیشتر خواهد شد که موقعیت‌های ژئوپلیتیکی شیعه در نظر گرفته شود؛ چون بسیاری از شیعیان در مناطق نفت‌خیز مستقرند؛ مناطقی که به لحاظ ژئوپلیتیکی و استراتژیکی بسیار حساس‌اند و این امر منافع غرب را به خطر می‌اندازد.

در این راستا، فرانسوا توال به این نکته اشاره می‌کند که تشیع، به ویژه تشیع ایران کنونی، ادعای سخنگویی محرومان جهان سوم و امید تازه نفرین‌شدگان زمین را دارد. به همین علت، شیعه، جهان غرب و ارزش‌هایش را رد می‌کند. از دید شیعه، ارزش‌های غربی تنها مصنوعات هستند که در جهت فریب توده‌های فقیر در نظر گرفته شده‌اند. تشیع، کاپیتالیسم و کمونیسم را یکسان رد می‌کند. انفجار تشیع تنها به مواضع ژئوپلیتیکش در خاورمیانه بر نمی‌گردد، بلکه در محتوا و پیام سیاسی آن نهفته است. تلقی این اراده انقلابی و امید به سخنگویی فقیران جهان، به عنوان یک ویژگی سطحی، اشتباه است. این اراده می‌تواند زمانی دارای قدرتی انفجارآمیز و سهمگین باشد. (توال، ۱۳۷۹، ص ۱۴۳)

به نظر وی، تشیع با طرح و نقشه اعتقادی و ایدئولوژیکی خود، می‌تواند به صورت اهرم نیرومندی جهت برهم‌زدن ثبات منطقه و جهان ظاهر شود. تشیع هر چند از نظر جغرافیایی در یک منطقه پراکنده و محدود قرار گرفته، مبارزه‌ای را دنبال می‌کند که ادعای جهانی دارد. صلح در جهان به طور اساسی به اداره این نیروی جدید بین‌المللی بستگی دارد. (بیشین، ص ۱۳۵) به این ترتیب، آموزه‌های

ایدئولوژیکی شیعه در انقلاب اسلامی ایران و تحقق حاکمیت تشیع در ایران، افق تازه‌ای به روی شیعیان جهان گشود و شیعیان عزت خویش را دوباره یافتند و به عنصری تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند.

نهضت حزب‌الله لبنان، تجلی عینی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی بود که نخستین پیروزی مسلمانان و اعراب را در برابر اسرائیل محقق ساخت و بدین ترتیب راه پیروزی را به همه مسلمانان نمایاند و نشان داد که تعالیم روح‌بخش تشیع علوی می‌تواند همیشه راه‌گشا باشد. پس از این پیروزی، شیعیان دیگر نقاط جهان نیز در معادله جهانی حضور یافتند؛ حضور مؤثری که توجه بلوک‌های سلطه جهانی را به خود معطوف داشت، به گونه‌ای که جایگاه ویژه‌ای در عرصه مناسبات بین‌المللی برای آنان در نظر گرفته شد. (متقی زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۵) قدرت‌های بزرگ، این تحرک‌ها را اعلان جنگ ایدئولوژیکی قلمداد کردند. رویکردهای مذهبی مکتب تشیع بیش از هر فرقه دیگر، ایدئولوژی غرب را به چالش کشید.

(پیشین، ص ۲۰۴)

۲. محور راهبردی - امنیتی

واقعیت‌های موجود حاکی از آن است که شیعیان به دلایل گوناگون - از جمله حضور در مراکز مهم استراتژیک منطقه، مثل میدان نفتی و مراکز تجاری - بالقوه جایگاه ویژه‌ای را در معادلات منطقه‌ای به خود اختصاص داده‌اند. به همین دلیل، اگر شرایط تحقق این پتانسیل فراهم گردد، مؤلفه‌های مثبت جغرافیایی، ظرفیت‌های فراوانی برای ایفای نقش گسترده برای آنها فراهم می‌آورد. (پیشین، ص ۲۰۴) به این ترتیب، آگاهی از این واقعیت‌ها توجه قدرت‌های بزرگ صنعتی را به این اقلیت مذهبی جلب نموده است.

در واقع، صرف نظر از تعارض آموزه‌های شیعه با مدرنیته غرب، موقعیت جغرافیایی آنها نیز در تضاد با منافع جهان صنعتی بوده و بیش از پیش حساسیت این کشورها را برانگیخته است. غربی‌ها منافع خود را در منطقه در گرو مهار نیروی ژئوپلیتیک شیعه می‌دانند. مارتین کرامر درباره تفاوت موقعیت شیعیان ایران با شیعیان دیگر کشورها می‌نویسد:

ایران تنها کشوری است که شیعیان اکثریت غالب جمعیت آن را تشکیل می‌دهند. در دو یا سه کشور دیگر نیز تعداد شیعیان زیاد است و در سایر نقاط جهان اسلام شیعیان یا در اقلیت هستند و یا اصولاً وجود ندارند. (تقی زاده داوری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸)

غرب به این نکته هم توجه دارد که شیعیان عرب، که توسط دولت‌های سنی در فقر و محرومیت نگه داشته شده‌اند، به وضعیت خود معترض‌اند و هرگونه تغییر در شرایط سیاسی کشورهای این حوزه، زمینه حاکمیت کامل یا نسبی شیعیان را فراهم خواهد کرد. از طرفی، جمعیت شیعه جهان عرب به لحاظ استراتژیکی، در قلب بزرگ‌ترین منطقه نفت خیز خاورمیانه و در عرض شاهراه‌های نفتی خلیج فارس قرار دارند. با توجه به این موضوع، فولر در کتاب شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده می‌نویسد:

از بُعد نظری، شیعیان عرب به کمک ایران می‌توانند بیشتر منافع نفتی خلیج را تحت کنترل کامل خود درآورند. (پشین، ص ۱۸۳)

آگاهی از این مسأله باعث شده که آمریکا در مورد عراق تدابیر خاصی اتخاذ کند؛ چون شیعیان عراق از برتری نسبی در دولت برخوردار شده‌اند و همین امر باعث ادامه حضور آمریکا در عراق حتی پس از پایان جنگ شده است. این حضور در چارچوب حساسیت غرب نسبت به ژئوپلیتیک شیعه، قابل تحلیل است.

ژئوپلیتیک شیعه و مسئله امنیت ملی ایران

با توجه به آنچه در صفحات قبل مطرح شد، مسائل امنیتی ایران در منطقه ژئوپلیتیک شیعه، تنها در قالب نظرات سنتی امنیت - که بیشتر بر روی متغیرهای نظامی تأکید داشتند - قابل تحلیل نیست. در این حوزه ژئوپلیتیکی، متغیرهای غیرنظامی هم برای تدوین پارادایم امنیت ملی اهمیت دارد. از طرفی، با توجه به حساسیت غرب نسبت به این منطقه، امنیت ایران، به عنوان کشور تأثیرگذار بر سایر کشورهای منطقه، از جانب غرب تهدید می‌شود؛ چون وحدت مسلمانان و بهره‌مندی آنان از فرصت‌های ژئوپلیتیکی ارزشمند در منطقه، منافع و امنیت آمریکا را در منطقه به چالش می‌کشد.

در این راستا، اهمیت ایران در تجمیع و متمرکز کردن ایدئولوژی اسلامی و قرار دادن آن در مخالفت مستقیم با غرب سکولار و دولت‌های خاورمیانه‌ای وابسته به آمریکا نهفته است. از نظر آمریکا، از سال ۱۹۷۹ م، ایران با استفاده از شمشیر قدرتمند سیاسی اسلامی، مشروعیت نظم منطقه‌ای را به چالش کشیده است. برخی از مقامات آمریکا بر این عقیده‌اند که ایران از اسلام به عنوان ابزاری برای تعقیب هدف پنهان خود، یعنی دست‌یابی به هژمونی سنتی خود، در خلیج استفاده می‌برد. (جرجیس، ۱۳۸۲، ص ۲۲۰)

امنیت ملی ایران به عنوان کشوری که در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد، در قالب دو بعد امنیتی قابل بررسی است:

۱. بُعد نخست، نظم و ثبات حاکم بر حوزه ژئوپلیتیک شیعه است؛ به این معنا که هرگونه بی‌نظمی و بی‌ثباتی سیاسی در حوزه ژئوپلیتیک شیعه، به بی‌ثباتی و تهدید امنیت ملی ایران منجر خواهد شد.

از نظر آموزه‌های ژئوپلیتیک دوران جنگ سرد، ژئوپلیتیک شیعه واقع در جبهه سوم استراتژیک اوراسیا است و از طرفی اصطلاح کمربند شکسته اصطلاحی

است که به کشورهای جنوب غربی خاورمیانه می‌دهند؛ چون بحران در آنها به سرعت اوج می‌گیرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن توسعه می‌یابد و در عین حال سریعاً فرومی‌نشیند. (مایل افشار، ۱۳۸۳) این مطلب نشان می‌دهد که هرگونه بی‌ثباتی و ناامنی در هر یک از کشورهای حوزه ژئوپلیتیک شیعه، می‌تواند امنیت کشورهای دیگر، از جمله ایران، را تحت تأثیر قرار دهد.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که به طور کلی مجاورت و همسایگی جغرافیایی سیاسی می‌تواند بر روابط کشورها تأثیرگذار باشد. یکی از مشخصات کمی و کیفی کشورهای حیاتی، سطوح اصطکاک این کشورها و نگرانی شدید از وجود همسایگان پردردسر است. این همسایگان پردردسر با رفتارهای خشونت‌آمیز، بحران عمیق امنیتی ایجاد می‌کنند. مجاورت ایران و آمریکا از طریق مرزهای شرقی (افغانستان) و مرزهای غربی (عراق) نیز از این قاعده مستثنی نیست. بحران‌های موجود در این دو کشور می‌تواند به عنوان همسایگان پردردسر مشکلاتی را برای ایران ایجاد کند. در حال حاضر، بحران‌های موجود در این دو کشور که در حاشیه منطقه ژئوپلیتیک شیعه هستند نگرانی شدیدی را برای ایران ایجاد کرده است. (مایل افشار، ۱۳۸۳)

علاوه بر این، ژئوپلیتیک شیعه، مجموعه‌ای از دولت‌های مستقل با واحدهای سیاسی مستقل است که حاکمیت یکسانی ندارند. این دولت‌های مستقل با حاکمیت‌های سیاسی مستقل، پیوندهایی تاریخی بین جمعیت‌ها دارد که بر سوابق جغرافیایی مقدم است.

از طرفی، محتوای فرهنگ اسلامی مردم یگانه‌عاملی است که تداوم حضور قدرت‌های خارجی را در منطقه به مبارزه می‌طلبد و با خطر مواجه می‌سازد. غریبان با آگاهی به این نکته به این نتیجه رسیده‌اند

که برای استمرار سلطه خود بر مسلمانان، باید آنان را نسبت به ارزش‌ها و اصول و مبانی فرهنگ اسلامی بی تفاوت کرده، مظاهر فرهنگی خود را بر کشورهای منطقه دیکته کنند. بدین ترتیب، آنان تلاش کردند مسلمانان را از فرهنگ و هویت اسلامی دور سازند و با طرح عناوینی مانند ناسیونالیسم و تبلیغ آن در جوامع اسلامی، وحدت اسلامی را از بین ببرند. (متقی زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۹۵)

رواج اندیشه قومیت‌پرستی و ملی‌پرستی و به اصطلاح، «ناسیونالیسم» که به صورت‌های «پان عربیسم»، «پان ایرانیسم»، «پان ترکیسم»، «پان هندوئیسم» و غیره در کشورهای اسلامی با وسوسه استعمار تبلیغ شدند و همچنین سیاست تشدید نزاع‌های مذهبی شیعه و سنی و همچنین قطعه قطعه کردن سرزمین اسلامی به صورت کشورهای کوچک و قهراً رقیب، همه برای مبارزه با آن اندیشه ریشه کن‌کننده استعمار یعنی «اتحاد اسلامی» بوده است. (مطهری، بی‌تا، ص ۳۴)

در این میان، از آن جا که ایران تنها کشوری است که به طور قاطع در برابر سیاست‌های غرب و در رأس آن آمریکا مقاومت می‌کند بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که آمریکا سیاست‌های خاصی را در افزایش تعارضات و ناامنی در منطقه به ضرر امنیت ایران و در راستای منافع خود اتخاذ کرده است.

۲. بُعد دوم در ارتباط با امنیت ایران در حوزه ژئوپلیتیک شیعه، مربوط به نقش و اهمیت عوامل مختلف داخلی در تضمین و تأمین امنیت و ثبات سیاسی است. آگاهی از موقعیت ژئوپلیتیکی و آموزه‌های انقلابی شیعه در ایران، منجر شده که آمریکا تمام توان خود را به کارگیرد تا مانع از موفقیت حکومت ایران به عنوان الگوی یک حکومت شیعی موفق در منطقه شود و در این مسیر از هر نوع

کارشکنی برای عدم موفقیت ایران در منطقه استفاده کند.

در این راستا، استراتژی غرب (آمریکا)، استراتژی سیاسی - فرهنگی است. (نامدار، ۱۳۷۶، ص ۱۵) محور این استراتژی، ایجاد تغییرات از طریق فروپاشی ارزش‌های انقلاب اسلامی و تعدیل ایدئولوژیک اسلام است. در این روش، ایجاد تغییرات ظاهراً از طریق یک جریان حزبی یا سازمان سیاسی خاص یا یک گروه ذی‌نفوذ اجتماعی صورت می‌پذیرد؛ بلکه ایجاد تحول از طریق تأثیر فرهنگی در کل جامعه و ایجاد تردید در باورهای مردم نسبت به ارزش‌های حاکم بر نظام و تشکیک در توانایی این ارزش‌ها برای حل چالش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور صورت می‌پذیرد و از این طریق مشروعیت رژیم دچار تردید می‌گردد.

علاوه بر این، آمریکا معتقد است بازیگرانی که آمادگی پذیرفتن شرایط سیاسی - ایدئولوژیک، اقتصادی یا انسانی آمریکا را ندارند باید تنبیه شوند. در این راستا، غرب از هیچ اقدامی علیه ایران دریغ نخواهد کرد. این اقدامات و کارشکنی‌ها در مقاطع مختلف، اشکال گوناگونی داشته است. انواع تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، دامن زدن به درگیری‌های جناحی و اختلافات داخلی، بی‌اعتنا کردن مردم برای حمایت از حکومت، افزایش اختلافات قومی و نژادی در داخل و سطح منطقه برای ایجاد کاتتوم‌های ملی و کارکردهایی که می‌تواند با حرکت‌های اسلامی مقابله کند، از جمله ترفندهایی است که آمریکا برای تحت فشار قرار دادن حکومت در ایران و ایجاد جو ناامنی و تشنج در منطقه به کار گرفته است.

نتیجه

همان‌طور که اشاره شد، ترکیب عوامل فرهنگی و اعتقادی، دسترسی به منابع عظیم انرژی و موقعیت‌های حساس ژئوپلیتیکی و استراتژیکی، موقعیت ممتازی را برای ایران در حوزه ژئوپلیتیک شیعه فراهم کرده است که با توجه به حساسیت غرب نسبت به این منطقه، همواره به صورت شمشیری دو دم برای امنیت ملی ایران عمل می‌کند. از طرفی، حساسیت غرب نسبت به آموزه‌های انقلابی شیعه، که نمود آن را در انقلاب اسلامی ایران مشاهده کردند، و ترس از الگوگیری سایر شیعیان منطقه از انقلاب اسلامی، موجب شد بسیاری از سیاستمداران غرب، رویکردهای انقلابی مکتب تشیع را آغاز جنگ ایدئولوژیکی علیه خود قلمداد کنند و سیاست‌های خاصی را در قبال شیعیان منطقه اتخاذ کنند؛ به طوری که برای در انزوا قرار دادن شیعیان سعی کردند با اطلاق عناوینی مانند تروریسم و بنیادگرا به نهضت‌های اسلامی، به ویژه جنبش‌های شیعی منطقه، افکار عمومی را بر ضد آنان تحریک سازند. با توجه به این مطالب، امنیت ایران در حوزه ژئوپلیتیک شیعه، صرفاً در قالب نظرات سنتی امنیت که بر ابعاد نظامی و خارجی تهدیدات تأکید دارند، قابل تحلیل و بررسی نیست. تهدیدات امنیتی ایران در حوزه ژئوپلیتیک شیعه از جانب غرب در دو بُعد قابل بررسی است: ۱. بُعد داخلی: تضعیف ایدئولوژی سیاسی - اسلامی و بی‌اعتنا کردن مردم نسبت به حکومت؛ ۲. بُعد خارجی: تبلیغ و ترویج اسلام غیرسیاسی و میانه‌رو در کشورهای منطقه که با اهداف استعماری و امپریالیستی آنها هماهنگ است. همچنین پشتیبانی از رژیم‌های سکولار در منطقه و تحریک حکومت‌های منطقه نسبت به خطر شیعیان، از دیگر مواردی است که امنیت ایران را در حوزه ژئوپلیتیک شیعه به خطر می‌اندازد.

در چنین فضایی، امنیت ایران به استحکام داخلی، مقبولیت و مشروعیت نظام

بستگی دارد. ایران باید در عرصه منطقه و جهان، هویتی را بازسازی کند و عرضه نماید که نه تنها از آمریکا خلع سلاح فکری نشود؛ بلکه هویت مثبت و سازنده‌ای از ایران و اسلام بازسازی شود که همراه با تقویت ساختار داخلی، حریم امنیتی گسترده‌ای را برای کشور فراهم آورد. تأکید و تکیه بر جلوه‌های نرم‌افزاری امنیت، به هیچ وجه نافی لزوم آمادگی‌های نظامی و دفاعی نیست. آنچه مهم است توجه به ظرفیت‌های عظیم نرم‌افزاری داخلی و خارجی است که می‌تواند امنیت ایران را عمق ببخشد.



منابع

۱. ازغندی، علیرضا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱، تهران، قومس.
۲. اسپوزیتو، جان، ال، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ۱۳۸۲، ترجمه: محسن مدیر شانه‌چی، تهران: باز.
۳. تاجیک، محمدرضا، مدخلی بر مفاهیم و دکترین‌های امنیت ملی، ۱۳۷۵، مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت ملی، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
۴. مجموعه مقالات (کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو)، تشیع، مقاومت و انقلاب، ۱۹۸۴، بی‌جا، بی‌نا.
۵. تقی‌زاده داوری، محمود، شیعه و مذاهب دیگر، بررسی حوزه‌های جغرافیایی تعاملی و چالشی، زمستان ۸۳، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال دوم، شماره ۸.
۶. توال، فرانسوا، ژئوپلتیک شیعه، ۱۳۷۹، ترجمه: علیرضا قاسم آقا، تهران، آمن.
۷. جرجیس، فوازی، آمریکا و اسلام سیاسی، ۱۳۸۲، ترجمه: محمدکمال سروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. جعفریان، رسول، انقلاب اسلامی ایران در دنیای جدید، ۱۳۷۸، مجله حضور، شماره ۳۰۰.
۹. صفحی، محمد، ژئوپلتیک فرهنگی و مسئله امنیت ملی، ۱۳۸۰، تهران: شمسا.
۱۰. مایل افشار، فرحناز، ژئوپلتیک شیعه، ۱۳۸۳/۳/۵، نشریه سیاست روز.
۱۱. منقی‌زاده، زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، ۱۳۸۴، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.
۱۲. مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، بی‌تا، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. نامدار، مظفر، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های شیعه در صد ساله اخیر، ۱۳۷۶، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.